

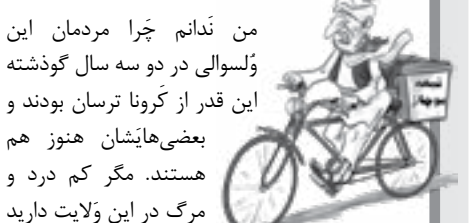


شهرت

لنگ‌لنگان می‌روم من باخِ خود شاد شاد
می‌زنم هی حرف حق را، هر چه بادا، هر چه باد
سال هفتم / شماره: ۳۳۸
قیمت: ۵۰۰۰ قرون

ماجرای تبعه مोजاز

آلزایمر در ولایت ایران



من ندانم چرا مردمان این
ولسوالی در دو سه سال گذشته
این قدر از کرونا ترسان بودند و
بعضی هایشان هنوز هم
هستند. مگر کم درد و
مرگ در این ولایت دارید
که از کرونا هم ترس نمی‌کردید؟
خب پیدر بیامرزها! کرونا با این همه اُهم و تلمش، مگر
چند نفرتان را کوشته کرده. اما خودتان با دست خودتان
دارید در این ولایت چند برابر کرونا کوشته می‌دهید.
همین هفته گذشته در اخبار شنیده کردم در ۸ ماه اول
سال ۱۳ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای این ولایت کوشته
و ۲۶۲ هزار نفر مصدوم شده‌اند. اما انگار مردم از آن ترسی
ندارند و حرفی نمی‌زنند. ب موترهای (ماشین‌های) بی
کیفیت و غیر استاندارد اعتراضی ندارند، راحت در آن
نشسته می‌کوندند و با تندوی برق و باد می‌رانند. تازه برای
خریدن همین گاری‌های فکشنی هم در صفا ایستاده و ۱۱
میلیون نفر ثبت‌نام می‌کوندند.
راستش را بخواهید، مردمان این ولایت یک عادت
عجیبی دارند؛ آنها با شرایط سخت و طاقت‌فرسا زود
عادت می‌کوندند و یادشان ضعیف است. همان طور که
بعد از مدتی نه کرونا و خطر مرگش برایشان مهم است،
نه از تلفات جاده‌ای که مثال یک جنگ تمام عیار است
ترسان می‌شوند، نه تورم افسار گسیخته ککی از آنها
کنده می‌کوند، نه از فلترینگ اینترنت نگران می‌مانند
ونه...

نجیب

ماجرای من و بی بی



چارتا کتاب خونه جوگیر شده

اصغر که نشست بی بی گفت:
- ها! اصغر دیه چه خیرته؟ دیه
چطو شده؟
اصغر نگاهش را از گل‌های قالی
برداشت و زل زد به صورت پر از
چروک بی بی.
- چی چی بگم والا بی بی که حرف
زنم پتره!
بی بی چپ‌چپ نگاهش کرد.
- بی بی چی حرف زنی بیتره؟
نیه اومدی اینجا عکس منه وردری؟
بوگو بینم چیطو شده، ایقدم فس
فس نکن!
اصغر نفس عمیقی کشید.
- چی بگم والا بی بی؟ نسرین!
نسرین میگه طلاق ماخام!
- چی چی؟ طلاق؟ طلاق بری
چی چی؟ شوما خو خیلی با هم
خوب بودین. نسرین «اصغر اصغر»
آ دهنش نیفتید، حالا چیطو شده
میگه طلاق ماخا؟ راششه بوگو
چیکازش کردی؟
- والا بی بی اگه من بی حرف آ گل
نازک ترازش زداشم.
- والا خونه چه مرگش؟
- چه بگم بی بی؟ بی بی چطوری بگم؟
- والا خوبال دیه اصغر، چون به سزم
کردی.
- والا بی بی، ما خو مشکلی نداشتیم
با هم، آ روزی که ای شریکش
بهنوش نیشس زیر پاش گف بیا
با هم بیریم دانشگاه، آ ای رو به او رو
شده، بونه گیر شده، هزار ایراد آ
من می‌گیره. بی دغه میگه چرا
کارگری؟ بی دغه میگه چرا لواسات
خاک و خلیه؟ بی دغه میگه چرا
خونمون تو انتظام و سرداران نیس؟
بی دغه میگه بری چه کت و شلوار
بژت نیکنی؟ بی دغه میگه بری چه
ایطو حرف می‌زنی؟ حالام خو...
بی بی نگاهش کرد.
- حالام خو چی؟
- حالام خو میگه بری چه قذت

گلایتون



گلایتون هفته

حسین نقیب

معرفی بشهر بگذار که در عشق خدایت باشم



ابراهیم ناعم
زاده ۱ مهر ۱۳۰۰ خورشیدی در رشت. شاعر و
قصیده‌سرای معاصر و مدیر انجمن ادبی حکیم
ناصر خسرو.
تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت و تهران
به پایان رساند و سپس در آموزشگاه تخصصی
قضایی دانش آموخته شد. او بعداً کارمند اداره
کل ثبت اسناد شد.
از آنجا که پدر وی معروف به مرشد احمد گیلانی
صوفی صافی بود و صافی تخلص می‌کرد،
به او ابراهیم صافی نیز گفته‌اند. ناعم شاعری
عارف پیشه و خلوت‌گزین بود و سعی می‌کرد از
هیاهوهای سیاسی و اجتماعی دوری‌گزیند.
ناعم از نزدیکان نیما یوشیج بود، به طوری که
یوشیج در خاطرات خود می‌نویسد: «ناعم اشعار
وصف‌الحالی را بسیار پر مغز و با حرارت می‌سراید
و اشعار او آینه زمان هستند.»
همچنین یوشیج در دورانی که به دلیل سرودن
شعر نو مورد هجومه شاعران سنتی قرار داشت،
گفته بود: «اگر بلدانم این جوانمرد گیلانی ساده و
بدون تشریفات (ابراهیم ناعم) با من است به این
اندازه سرگردان نیستم.»
وی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مقاله‌هایی در نشریات
ادبی منتشر کرد و بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷
صاحب امتیاز نشریه فردای مابود.
ناعم در میان شاعران قدیمی به ناصر خسرو و
سبک وی علاقه‌مند بوده و بیشتر قصیده سروده
است. او شاعری در قالب رباعی نیز دارد.
در مهر ۱۳۹۰ مجموعه شعری به نام «اهوراناامه»
سروده‌های توحیدی» از وی به چاپ رسید.
همچنین وی سروده‌هایی در مورد خواب‌هایش
دارد و منظومه «الا ای خواب‌ها» با بیش از ۱۱۵
بیت یکی از آن‌هاست.
وی در فروردین ۱۳۹۶ به دلیل عارضه قلبی

کافه کتاب یکشنبه های کتاب هر هفته در کتابخانه کوثر نور

امیر تمنا دار:
یکشنبه‌های کتاب هر هفته در محل کتابخانه
کوثر نور برپاست.
این جلسات هم‌اندیشی چند هفته‌ای است
که به پیشنهاد و دعوت جواد فرزانه استاد
دانشگاه و دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و
با حضور علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی
بعداظهرهای یکشنبه از ساعت ۴ تا ۷ در
سالن مطالعه کتابخانه کوثر نور برگزار می‌شود.
دستور کار جلسه هم‌معرفی و نقد یک کتاب در
هر نشست است. حاضران، کتاب مورد نظر را
در منزل مطالعه می‌کنند و در جلسه به بحث و
بررسی گروهی می‌گذارند. هر جلسه با معرفی
کتاب مورد نظر و خلاصه‌گویی و توضیحات
در مورد نویسنده آغاز می‌شود و افراد درک و
دریافت خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند.
جلسات نخست با تعداد اندکی برگزار شد اما
به تدریج مخاطبان خود را پیدا کرد و اکنون
حداقل ۳۰ تا ۴۰ نفر در آن حضور می‌یابند.
از جمله کتابهای مورد بررسی، «شازده
کوجولو» اثر آنتوان دو سنت اگزوپری و
«پیامبر» اثر جبران خلیل جبران بوده است.
در آخرین جلسه که هفته پیش برگزار شد
«انسان در جستجوی معنا» اثر ویکتور فرانکل
مورد نقد و بررسی قرار گرفت.
کتاب به توضیح این موضوع پرداخته که انسان

اجرا کردن = به کار بردن، انجام دادن؛
کار گذاشتن
اجباری = ناخواسته، ناچار، ناگزیر
اجتماع (جامعه) = انجمن، گردهمایی،
همایش، همبودگاه، همزیستگاه
اجتناب‌ناپذیر = گریز ناپذیر، پرهیز ناپذیر،
دوری ناپذیر
اجحاف = زورگویی
اجرا = نمایش؛ گرداندگی؛ میزبانی
اجرا کردن = به کار بردن، انجام دادن؛
کار گذاشتن
اجباری = ناخواسته، ناچار، ناگزیر
اجتماع (جامعه) = انجمن، گردهمایی،
همایش، همبودگاه، همزیستگاه
اجتناب‌ناپذیر = گریز ناپذیر، پرهیز ناپذیر،
دوری ناپذیر
اجحاف = زورگویی
اجرا = نمایش؛ گرداندگی؛ میزبانی



به کوشش فاطمه زردشتی نی‌ریزی



باران
بهانه‌ای است
که عاشق‌ترت
شوم...
علی شیربانیان
باران قرار تازه‌تری را شروع کرد
آمد بهار تازه‌تری را شروع کرد
دستم به دست‌های تو سپیده بود که
آمد فراتر از تو را شروع کرد
مشغول بوسه بر لب سرختم شدم که گفت
باید انار تازه‌تری را شروع کرد
بیهوده دل نبند به کشتی که می‌شود
بانوج کار تازه‌تری را شروع کرد
باران بهانه‌ای است که عاشق‌ترت شوم
تار و کار تازه‌تری را شروع کرد



کافه کتاب یکشنبه های کتاب هر هفته در کتابخانه کوثر نور

در لحظه اول شوکه می‌شویم، اما قبل از این
که تصمیم‌گیری اولیه را انجام دهیم فرصتی
طلایی وجود دارد. محققان عقیده دارند نباید
هیچ واکنشی را زودتر از ۵ ثانیه نشان دهیم.
حتی در سخت‌ترین شرایط سعی کنیم ۵
ثانیه اول را چیزی نگوییم و فقط با تمرکز روی
موضوع فکر کنیم که بهترین واکنش چه باید
باشد.
همیشه وقتی به گذشته خود فکر می‌کنیم
یادمان می‌آید که کاش در فلان قضیه آنقدر
زیاده‌روی نمی‌کردیم. کاش آن حرف را
نمی‌زدیم. کاش آنقدر سخت نمی‌گرفتیم.
دلیل این که اکثر ما واکنش اشتباهی در برابر
اتفاقات نشان می‌دهیم، آن است که برای نشان
دادن آن واکنش عجله می‌کنیم.
- درد و رنج زمانی پایان می‌یابد که به معنا
برسیم. ما زمانی در زندگی به آرامش می‌رسیم
که نگرش خود را به زندگی عوض کنیم. در
قرن جدید همه فکر می‌کنند که زندگی یعنی
لذت بردن؛ در حالی که اینطور نیست. در واقع
ما زندگی می‌کنیم تا به معنا برسیم. لزومی
هم ندارد که معنا یکسان باشد. فقط لازم است
خوب به اطرافمان نگاه کنیم. درد، مشکلات،
مرگ، بیماری و رنجهایی که به سراغ ما
می‌آیند، همه و همه می‌خواهند ما را به سمت
معنای زندگی‌مان هدایت کنند.

پارسی بگویم و بنویسیم
بودن
احاطه کردن = دربر گرفتن، فراگرفتن، فراگیری
احاله کردن = واگذاری
احتیاس = نگره داشتن
احتجاج = گواه‌آوری
احتراز کردن = پرهیز، دوری
احترام = ارج، ارزش، گرامیداشت، بزرگداشت،
پاسداشت، ستایش، شکوهیدن
اجرا کردن = به کار بردن، انجام دادن؛
کار گذاشتن
اجباری = ناخواسته، ناچار، ناگزیر
اجتماع (جامعه) = انجمن، گردهمایی،
همایش، همبودگاه، همزیستگاه
اجتناب‌ناپذیر = گریز ناپذیر، پرهیز ناپذیر،
دوری ناپذیر
اجحاف = زورگویی
اجرا = نمایش؛ گرداندگی؛ میزبانی